



Identifying Written Sources in Compiling al-Kāfi: The Case of ‘Alī b. Muḥammad al-Kulaynī al-Rāzī

Hamīd Bāgheri¹ 

1. Assistant Professor. Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: bagheri.h@ut.ac.ir

Article Info

Article type: Research Article

Article history:

Received 25-Sep-2022

Received in revised form 27-Nov-2022

Accepted 18-Jun-2023

Published online 21-Sep-2023

Keywords:

Shīte Written Sources,

al-Kāfi’s Sources,

Kitāb ‘Akhbār al-Qāim,

‘Alī b. Muḥammad al-Kulaynī al-Rāzī,

‘Allān al-Kulaynī.

ABSTRACT

‘Alī b. Muḥammad b. Ibrāhīm b. ‘Abān al-Kulaynī al-Rāzī, known as “‘Allān al-Kulaynī,” is one of the Imāmī narrators living in the age of Minor Occultation. Among the early Rijāl scholars, Najāshī was the only one who mentioned Allān’s biography in his autobiographical book and authenticated him. Shaykh al-Kulaynī narrated dozens of narrations from him in al-Kāfi, who is introduced by Najāshī as Kulaynī’s uncle. A significant part of these narratives is included in al-Kāfi’s “Book of al-Ḥujjah” (“Kitāb al-Ḥujjah”). Since Kulaynī collected the narratives of his book from earlier written sources, the question arises as to which book was his written source in narrating them. Since one of the criteria emphasized by early Imāmī hadīth scholars is quoting from reliable books, this paper aims to evaluate this hypothesis by collecting these narratives and analyzing them. Their Isnād-cum-matn evidence confirm that Shaykh al-Kulaynī narrated them from the book of ‘Allān al-Kulaynī, i.e. the “Kitāb ‘Akhbār al-Qāim”.

Cite this article: Bagheri, H. (2023). Identifying Written Sources in Compiling al-Kāfi: The Case of ‘Alī b. Muḥammad al-Kulaynī al-Rāzī. *Quranic Researches and Tradition*, 56 (1), 109-130. DOI: <https://doi.org/10.22059/jqst.2023.349130.670072>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jqst.2023.349130.670072>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شناسایی منابع مکتوب کلینی در تدوین الکافی: بررسی مورد علی بن محمد کلینی رازی

حمید باقری^۱

۱. استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: bagheri.h@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۳	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۹/۰۶	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۸	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۶/۳۰	
کلیدواژه‌ها: عَلان کَلینی، علی بن محمد کَلینی رازی، کتاب أخبار القائم (ع)، منابع الکافی، منابع مکتوب شیعه.	علی بن محمد بن ابراهیم بن ابان کَلینی رازی مشهور به «عَلان کَلینی» از روایان امامی عصر غیبت صغری است. از میان رجالیان متقدم، تنها نجاشی شرح حال او را آورده و بر وثاقتش تصریح کرده است. از او که دایی شیخ کلینی معرفی شده، روایات بسیاری در الکافی نقل شده است. بخش قابل توجهی از این روایات در «کتاب الحجة» الکافی است. نظر به اینکه شیخ کلینی روایات کتابش را از منابع مکتوب پیشینی گردآورده، این پرسش مطرح است که منبع مکتوب او در نقل این روایات کدام کتاب بوده است. اهمیت شناسایی این منابع از آن روست که از جمله معیارهای محدثان متقدم، نقل از کتاب‌های قابل اعتماد بوده است. این مقاله می‌کوشد تا با گردآوری این روایات و تحلیل آن‌ها، این فرضیه را ارزیابی کند. شواهد محتوایی و سندی این روایات، نقل آن‌ها از کتاب أخبار القائم (علیه السلام) علان کَلینی را تقویت می‌کند. محتوای بخش قابل توجهی از این روایات درباره امام زمان (ع) است که با عنوان کتاب وی همسویی کامل دارد.
استناد: باقری، حمید (۱۴۰۲). شناسایی منابع مکتوب کلینی در تدوین الکافی: بررسی مورد علی بن محمد کَلینی رازی. پژوهش‌های قرآن و حدیث، ۵۶ (۱)، ۱۰۹-۱۳۰. ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.	



DOI: <https://doi.org/10.22059/jqst.2023.349130.670072>

۱. مقدمه

تاریخ حدیث امامیه حکایت از آن دارد که اهتمام راویان و محدثان نخستین، بیشتر بر نوشتن احادیث و نگهداری آن‌ها به شکل جزواتی کوچک بود. امر و توصیه امامان (علیهم السلام) در نگارش احادیث، نگهداری و انتشار آن مکتوبات در این باره بی‌تأثیر نبوده است (کلینی، ۵۲/۱). اصحاب همواره ابزارهای نوشتن را همراه خود داشتند تا در صورت نیاز بلافاصله پس از شنیدن سخنان امامان (علیهم السلام)، به نگارش آن‌ها اقدام کنند (ابن طاووس، ۲۱۹-۲۲۰). این روش، شیوه مرسوم راویان و محدثان امامیه در سده‌های نخستین بود، به گونه‌ای که انتقال معارف در عصر صادقین (علیهم السلام) از طریق نوشته‌جات حدیثی به امری رایج در میان آن‌ها بدل شد. نتیجه آنکه آثار مکتوب متعددی در اشکال نسخه، کتاب، اصل، مُصَنَّف، جامع، نوادر و مسائل فراهم آمد که شمار بسیاری از آن‌ها در آثار کتاب‌شناسی (فهرست) متقدمان همچون فهرست ابوغالب زرّاری، فهرست نجاشی و فهرست طوسی معرفی و توصیف شده است.

نوشته‌جات حدیثی عصر حضور، عموماً منبع و مأخذ آثار پس از خود بوده‌اند. منابع مهم حدیثی پسین به‌ویژه جوامع حدیثی متقدم همچون کتاب‌های چهارگانه حدیثی، بر پایه این نگاه‌ها تألیف و تدوین یافته است. نگاهی به کتب اربعه حدیثی شیعه گویای این مطلب است. شیخ صدوق در مقدمه کتاب من لایحضره الفقیه (۳/۱-۴) تصریح دارد که احادیث کتابش را از نگاه‌ها مشهور و معتمد برگرفته است و در پس این اظهار، نام پاره‌ای از آن‌ها را ذکر می‌کند. عبارات شیخ طوسی در مشیخه تهذیب الأحکام و الإستبصار نیز به وضوح نشان می‌دهد که وی احادیث کتب خود را از منابعی مکتوب اخذ کرده است. شیخ کلینی نیز در تألیف الکافی به همین روش عمل کرده و احادیث آن‌را از اصول و تصانیف پیش از خود گردآوری کرده است. از جمله پرسش‌های مهم قابل طرح درباره جوامع متقدم حدیثی، اینکه مؤلفان آن‌ها از کدام منابع مکتوب و احتمالاً شفاهی در تدوین کتاب‌های خود بهره برده‌اند. به‌طور خاص این پرسش پیش‌روی حدیث‌پژوهان درباره الکافی وجود دارد که شیخ کلینی در تألیف کتابش از چه منابعی بهره برده است.

روشن است که آن منابع مکتوب نخستین از درجه اعتبار یکسانی برخوردار نبودند، برخی به‌واسطه عرضه بر امامان (علیهم السلام) و تأیید انتساب احادیث آن‌ها به ائمه پیشین، مقبولیت کتاب نزد محدثان و مدارس حدیثی، شهرت کتاب، موافقت با کتب معیار، (برای این معیارها نک: باقری، ص ۷-۲۰). امروزه می‌توان با شناسایی و بازیابی احادیث نگاه‌ها اولیه حدیثی در جوامع روایی همانند کتب اربعه، از اعتماد یا عدم اعتماد متقدمان به آن‌ها به عنوان قرینه‌ای در راستای پذیرش یا عدم پذیرش حدیث، افزون بر اوصاف رجالی ناقلان آن، بهره جست، روشی که نه تنها مورد توجه عالمان متقدم بوده (نک برای نمونه: بهایی، ۲۶-۳۰؛ مجلسی، روضة المتقین، ۵۵/۱۴، ۲۳۳، ۲۳۹)، بلکه برخی عالمان متأخر همچون محمدتقی مجلسی (م ۱۰۷۰ق) بدان توجه داشتند. او در

روضه المتقین با توجه به این شیوه، در مواردی با تشخیص اخذ حدیث از کتاب عبیدالله بن علی حلبی آنرا صحیح شمرده و پذیرفته است. ی،^۱ این نوشتار می‌کوشد تا با مطالعه شواهد و نشانه‌های متعدد متنی و فرامتنی یکی از منابع مکتوب شیخ کلینی در تدوین الکافی یعنی کتاب أخبار القائم [علیه السلام] اثر علی بن محمد کلینی رازی را شناسایی کند. هرچند برخی پژوهشگران تلاش‌هایی برای شناسایی برخی منابع الکافی داشته‌اند،^۲ اما تاکنون هیچ اثری به‌طور مستقل به کتاب مورد بحث به عنوان منبع الکافی نپرداخته است. اهمیت این کتاب از چند جهت است. نخست آنکه در عصر غیبت صغری تدوین شده است، از این رو می‌تواند به جهت قرابت زمانی به موضوع خود منبعی مهم برای آن به‌شمار آید. وثاقت مؤلف آن، نکته دیگری است که موجب افزایش اعتبار کلی کتاب و اهمیت آن می‌شود. همچنین قرابت نسبی شیخ کلینی با نویسندگان و دسترس بی‌واسطه او به این اثر نیز بر اهمیت آن می‌افزاید.

۲. شرح حال علی بن محمد علان کلینی رازی

اطلاعات موجود درباره شرح حال و سوانح زندگی وی بسیار اندک است. همین اطلاعات اندک نیز به‌واسطه گزارش نجاشی در دسترس است. به گفته نجاشی، وی ابوالحسن علی بن محمد بن ابراهیم بن ابان رازی کلینی معروف به علان است (نجاشی، ۲۶۰). بنا بر سند روایتی در الکافی، علی بن محمد کلینی رازی روایتی را در سال ۲۷۹ق از محمد و حسن پسران علی بن ابراهیم حدیث شنیده است. بنا بر این، او در نیمه دوم سده سوم هجری و در دوران غیبت صغری می‌زیسته است، از این رو گزارش‌های وی درباره امام زمان (عج) می‌تواند به دلیل قرابت زمانی حائز اهمیت و قابل اعتنا به‌شمار آید.

در منابع رجالی، چندین شخص از یک خانواده با عنوان «علان کلینی» معرفی شده‌اند که عبارتند از علی بن محمد بن ابراهیم (نک: نجاشی، ۲۶۰؛ حلبی، خلاصه، ۱۸۷؛ ابن داود حلبی، ۲۴۸؛ خوئی، ۱۳۷/۱۳-۱۳۸)، پدرش محمد (نک: طوسی، رجال، ۴۳۹؛ حلبی، خلاصه، ۲۵۰؛ اردبیلی، جامع الرواة، ۲/۴۴؛ خوئی، ۲۳۸/۱۵)، برادر او احمد بن ابراهیم (نک: طوسی، رجال، ۴۰۷؛ حلبی،

۱. امروزه برخی تلاش دارند تا با کاربست این شیوه یعنی مطالعه منابع الکافی و بررسی اصالت و اعتبار آن‌ها، به میزان اعتبار این کتاب حدیثی دست یابند. برای نمونه نک: جمال فرزند وحی و مینا یعقوبی، «اعتبارسنجی منابع کتاب الکافی»، مجله سراج منیر، دوره ۳، شماره ۸، مهر ۱۳۹۱، صص ۱۱۴-۱۴۵.

۲. برای نمونه نک: اسماعیل اثباتی و سیدکاظم طباطبایی، «جستاری در باب منابع داده‌های تاریخی کتاب الکافی»، مجله علوم حدیث، دوره ۱۹، شماره ۷۱ (شماره پیاپی ۷۱)، بهار ۱۳۹۳، صص ۲۹-۵۲؛ همان‌ها، «تبارشناسی منابع روایات اعتقادی الکافی»، دو فصلنامه کتاب قیام، دوره ۷، شماره ۱۷ (شماره پیاپی ۱۷)، ویژه علوم قرآن و حدیث، مهر ۱۳۹۶، صص ۲۶۵-۲۸۸؛ حمید باقری، «الکافی و روایات اسحاق بن محمد آخمر نخعی: تلاشی برای شناسایی منبع کلینی در نقل روایات اسحاق»، نشریه علوم قرآن و حدیث، دوره ۴۹، شماره ۱ (شماره پیاپی ۱)، فروردین ۱۳۹۶، صص ۹-۲۸.

۳. عبارت علامه حلبی برای ضبط عنوان «علان» چنین است: «بالعین المهملة المفتوحة، و اللام المشددة، و النون». حلبی، إيضاح الإشتباه، ۲۲۱.

خلاصه، ۶۹؛ ابن داود حلی، ۲۳؛ خوئی، ۲۳/۲) و پدرشان ابراهیم بن أبان (نک: فیض کاشانی، ۳۳/۱؛ اردبیلی، جامع الرواة، ۴۶۵/۲؛ شفتی، ۵۰۳). بنا به گفته بسیاری ظاهراً «اعلان» لقب ابراهیم بوده و بدین واسطه فرزندان و نوّه او نیز با این عنوان یاد شده‌اند (برای نمونه نک: خراسانی کرباسی، ۴۷۷؛ وحید بهبهانی، ۴۰۶؛ حائری، ۴۱۵/۷؛ ابوالمعالی کلباسی، ۳۶۴/۳-۳۶۶).^۴ بدینسان، عمومیت این لقب برای تمامی افراد مذکور پذیرفته شده است (نک: شهیدثانی، ۱۰۵۲-۱۰۵۱؛ شفتی، ۵۰۳؛ نیز نک: مجلسی، روضة المتقین، ۴۲۴/۱۴؛ میرداماد، تعلیقه، ۲۰؛ خوبی، ۱۴۲/۲۴).^۵

نجاشی در شرح حال محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹ق) به رابطه نسبی میان وی و اعلان کلینی اشاره و اعلان را دایی کلینی معرفی کرده است (نجاشی، ۳۷۷). بنا بر نظر بسیاری، مقصود از «اعلان کلینی» در اینجا علی بن محمد بن ابراهیم است که کلینی روایات بسیاری بی‌واسطه از او در الکافی نقل کرده است (برای نمونه نک: مجلسی، روضة المتقین، ۴۰۰/۱۴؛ تفرشی، ۳۵۵/۴؛ خراسانی کرباسی، ۴۷۷؛ کاظمی، ۷۸؛ بحرالعلوم، ۸۳/۳؛ حائری، ۵۰/۵؛ نوری طبرسی، خاتمة المستدرک، ۲۳۶/۵؛ تستری، ۱۳۴-۱۳۵).^۶

نجاشی او را با دو تعبیر «ثِقَّةٌ» و «عَیْنٌ» توثیق کرده است (نجاشی، ۲۶۰). ابن داود حلی و علامه حلی و دیگران نیز با همین دو تعبیر نجاشی، او را توثیق کرده‌اند (نک: حلی، خلاصه، ۱۸۷؛ ابن داود حلی، ۲۴۸؛ تفرشی، ۲۹۱/۳؛ اردبیلی، جامع الرواة، ۵۹۶/۱؛ بروجردی، ۲۰۹/۱؛ خوبی، ۱۳۸/۱۳-۱۳۷). به گفته نجاشی، اعلان در مسیر سفرش به شهر مکه کشته شد (نجاشی، ۲۶۱). ظاهراً همان سفر حجی که به گزارش نجاشی، وی از حضرت صاحب الزمان (عج) برای آن اجازه خواست و آن حضرت دستور داد تا در این سال توقف کرده و به حج نرود، اما او مخالفت کرد و پا در این سفر گذارد (نجاشی، ۲۶۱). شاید سبب مخالفت امام به سفر اعلان به حج، با کشته شدن او در مسیر این سفر ارتباط داشته است. شیخ عبدالله مامقانی (م ۱۳۵۱ق)، بر این باور است که حکم به وثاقت علی بن محمد بن ابراهیم از سوی رجالیان با گزارش عدم تبعیت وی از نهی امام زمان (عج) در نرفتن به حج منافات دارد و از آن اظهار شگفتی کرده است (مامقانی، تنقیح المقال، چاپ سنگی، ۲/القسم الأول: ۳۰۲). اما آیت‌الله خوبی گزارش کسب اجازه اعلان از امام زمان (عج) برای آهنگ سفر حج را منافاتی با وثاقت علی بن محمد بن ابراهیم نمی‌داند؛ چرا که ممکن است «دستور» امام را بر

۴. از عبارات سید بحرالعلوم نیز چنین دیدگاهی قابل برداشت است. نک: بحرالعلوم، ۸۲-۸۳.

۵. اما فاضل استرآبادی و ابوالهدی کلباسی با این دیدگاه که اعلان لقب ابراهیم نیز است، مخالف بودند. نک: فاضل استرآبادی،

چاپ سنگی، ۲۳۷؛ ابوالهدی کلباسی، ۲۵۰-۲۵۱؛ نیز نک: ابوالمعالی کلباسی، ۳۴۸/۳.

۶. میرداماد (م ۱۰۴۱ق) در کتابش الرواشح السماویة این را نظر مشهور دوره خود دانسته است (نک: میرداماد، الرواشح، ۱۰۷). او این سخن را در تعلیقه‌اش بر بخش اصول کتاب الکافی نیز تکرار کرده، اما خود آن را نپذیرفته، بلکه معتقد است علی بن محمد بن ابراهیم دایی‌زاده کلینی بوده است. میرداماد، تعلیقه، ۱۹-۲۰؛ نیز نک: میرداماد، الرواشح، ۱۷۴.

«امر ارشادی» - که غالب اوامر ایشان به اصحابشان از این قسم بوده - تفسیر کرده باشد و نه «امر مولوی» (خوبی، ۱۳۸/۱۳).

گفتنی است که برخی برای توثیق سهل بن زیاد آدمی به ادله‌ای استناد کرده‌اند که از جمله آن‌ها روایت اجلاء از اوست که در کنار راویانی همچون فضل بن شاذان، محمد بن یحیی عطار قمی، محمد بن حسن صفار قمی، علی بن ابراهیم قمی، محمد بن جعفر اسدی، محمد بن قولویه قمی، سعد بن عبدالله اشعری قمی و دیگران از علی بن محمد بن ابراهیم معروف به علان نام می‌برند (المعلم، ۵۱۴).

۳. روایات علان کلینی در الکافی

نام علی بن محمد بن ابراهیم علان کلینی رازی در اسناد روایات بسیاری از کتب حدیثی امامیه دیده می‌شود. بیشترین حجم روایات از او در الکافی کلینی است. کلینی از او بی‌واسطه و به دو شکل نقل حدیث کرده است؛ یکی با تصریح به نام وی در سند و دیگری حضور وی در زمره «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ».

با وجود تصریح بر شهرت علی بن محمد کلینی به «علان» در اسناد برخی احادیث (برای نمونه نک: صدوق، کمال‌الدین، ۴۸۵/۲، ۴۸۶؛ همو، التوحید، ۱۵۹، ۱۶۰؛ همو، عیون، ۱۲۵/۱، ۱۴۵)، اما مایه شگفتی است که کلینی در الکافی با وجود روایات بسیاری که از او نقل کرده (در این باره نک: ادامه مقاله)، در هیچ‌جا او را با لقب علان معرفی نکرده است، بلکه تنها در یک مورد تعبیر «عَلِيَّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْكَلْبِيِّ» در این کتاب دیده می‌شود (کلینی، ۵۴۱/۵).

در آغاز اسناد بسیاری از روایات این کتاب، نام «علی بن محمد» دیده می‌شود (برای نمونه نک: کلینی، ۱۰/۱، ۲۰، ۲۸، ۵/۲، ۲۸، ۱۵۷، ۳۷/۳). از میان استادان کلینی علاوه بر علی بن محمد بن ابراهیم علان کلینی رازی، دو تن دیگر نیز با نام «علی بن محمد» وجود داشته‌اند؛ یکی علی بن محمد بن سلیمان و دیگری علی بن محمد بن ابی القاسم ماجیلویه. در کتاب الکافی، هیچ حدیثی به واسطه علی بن محمد بن سلیمان دیده نمی‌شود، بلکه منقولات کلینی از او منحصر در دو روایت نقل شده توسط شیخ صدوق است (صدوق، علل، ۱۳۲/۱؛ همو، التوحید، ۱۷۶). ظاهراً کلینی گاه در نقل از علی بن محمد بن ابی القاسم، از او با نام «علی بن محمد بن بُنْدَار» (برای نمونه نک: کلینی، ۲۴۱/۲، ۲۴۲، ۲۳/۳) یا «علی بن محمد بن عبدالله» (برای نمونه نک: کلینی، ۱۱/۱، ۳۱، ۶۹/۳، ۱۶۱، ۶/۴) یاد می‌کند. بنا بر این، درباره «علی بن محمد» در آغاز اسناد احادیث الکافی این احتمال وجود دارد که یکی از این دو راوی یعنی علی بن محمد بن ابراهیم کلینی رازی یا علی بن محمد بن بُنْدَار مقصود باشد. این امر سبب اختلاف نظر میان عالمان شده است. بسیاری از عالمان معتقدند که مقصود از «علی بن محمد» در آغاز اسناد الکافی نفر نخست است (برای نمونه نک: اردبیلی، مجمع الفائدة، ۴۰۰/۲؛ عاملی، ۳۳۷/۳؛ مازندرانی، ۷۸/۱؛ فیض کاشانی، ۸۱/۱؛ طریحی، ۱۱۳؛

شفتی، ۵۰۴)، اما آیت‌الله خویی بر آن است که راوی دوم یعنی علی بن محمد بن بُنْدَار - همان علی بن محمد بن ابی القاسم عبدالله بن عُمران برقی - مراد است (خویی، ۱۳۵/۱۳-۱۳۶، ۱۶۲). بهترین شاهد بر اینکه مقصود از «علی بن محمد» در آغاز اسناد الکافی، علی بن محمد بن ابراهیم رازی کلینی است آنکه برخی احادیث کلینی در الکافی را شیخ صدوق در آثار خود نقل کرده و «علی بن محمد» مطلق در این اسناد را به صورت «علی بن محمد المعروف بعلان» آورده است. نمونه‌ای از آن، روایت زیر در کتاب الکافی (۱/ ۵۲۳، ح ۲۳) است:

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ شَادَانَ النَّيْسَابُورِيِّ قَالَ اجْتَمَعَ عِنْدِي خَمْسِمِائَةَ دِرْهَمٍ تَنْقُصُ عَشْرِينَ دِرْهَمًا فَأَنْفَتُ أَنْ أُبْعَثَ بِخَمْسِمِائَةٍ تَنْقُصُ عَشْرِينَ دِرْهَمًا فَوَزَنْتُ مِنْ عِنْدِي عَشْرِينَ دِرْهَمًا وَبَعَثْتُهَا إِلَى الْأَسَدِيِّ وَلَمْ أَكْتُبْ مَا لِي فِيهَا فَوَزَدَ وَصَلَتْ خَمْسِمِائَةَ دِرْهَمٍ لَكَ مِنْهَا عَشْرُونَ دِرْهَمًا.

همین روایت را شیخ صدوق در کتاب کمال الدین (۲/ ۴۸۵، ح ۵) این گونه روایت کرده است:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الرَّازِيِّ الْمَعْرُوفِ بِعَلَانَ الْكَلْبِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ شَادَانَ بْنِ نُعَيْمِ النَّيْسَابُورِيِّ قَالَ: اجْتَمَعَ عِنْدِي مَالٌ لِلْغُرَيْبِ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَمْسِمِائَةَ دِرْهَمٍ يَنْقُصُ مِنْهَا عَشْرِينَ دِرْهَمًا فَأَنْفَتُ أَنْ أُبْعَثَ بِهَا نَاقِصَةً هَذَا الْمِقْدَارَ فَأَتَمَّمْتُهَا مِنْ عِنْدِي وَبَعَثْتُ بِهَا إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ وَ لَمْ أَكْتُبْ مَالِي فِيهَا فَأَنْفَدَ إِلَيَّ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْقُبُصَ وَ فِيهِ وَصَلَتْ خَمْسِمِائَةَ دِرْهَمٍ لَكَ مِنْهَا عَشْرُونَ دِرْهَمًا.

چنانکه مشهود است شیخ صدوق نام «علی بن محمد» در سند روایت الکافی را به صورت کامل یعنی «علی بن محمد بن الرّازی المعروف بعلان الکلبی» آورده است. (برای نمونه‌هایی دیگر از تصریح صدوق به عنوان «المعروف بعلان» نک: صدوق، الأمالی، ۳۵۱؛ همو، عیون، ۱۳۲/۱-۱۳۵، ۱۸۶؛ همو، التوحید، ۱۸۶. برای این احادیث در الکافی نک: کلینی، ۱۰۵/۱، ۱۲۰-۱۲۳). قرینه دیگر در این باره، موافقت مضمونی بسیاری از این روایات با عنوان کتاب علی بن محمد کلینی رازی است که به گفته نجاشی (ص ۲۶۱)، اثری با عنوان کتاب أخبار القائم (علیه السلام) داشته است. بخش قابل توجهی از روایات علی بن محمد در الکافی - به‌ویژه بخش اصول این کتاب - به‌طور مستقیم راجع به امام زمان (عج) است. برای نمونه، نام «علی بن محمد» در آغاز اسناد روایات شماره ۱، ۳، ۴ و ۶ از شش روایت «بَابُ الْإِشَارَةِ وَ النَّصِّ إِلَى صَاحِبِ الدَّارِ (ع)» (کلینی، ۱/ ۳۲۸-۳۲۹) و روایات شماره ۲، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۵ از مجموع ۱۵ روایت «بَابُ فِي تَسْمِيَةِ مَنْ رَأَاهُ (ع)» (همو، ۱/ ۳۳۲-۳۲۹) و روایات شماره ۱ و ۲ از ۴ روایت «بَابُ فِي التَّهْيِ عَنِ الْإِشْمِ» (همو، ۱/ ۳۳۲-۳۳۳) و روایات شماره ۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۲۶،

۲۷، ۲۸، ۲۹ و ۳۱ از مجموع ۳۱ روایت «بَابُ مَوْلِدِ الصَّاحِبِ ع» (همو، ۱/ ۵۱۴-۵۲۵) آمده که مضمون و محتوای آن‌ها کاملاً با عنوان کتاب أخبار القائم (ع) علان کلینی موافق است.^۷ بدین ترتیب، نام وی در آغاز اسناد کلینی به ۳ شکل آمده است: علی بن محمد (۴۹۳ روایت)، علی (۱۰ روایت) و علی بن محمد کلینی (۱ روایت). بنا بر این، مجموع روایات شیخ کلینی از او در الکافی ۵۰۴ روایت است.^۸ یکی از محققان معاصر، از عناوین «علی بن محمد بن ابراهیم» و «علی بن محمد ابراهیم» یاد کرده که کلینی به ترتیب ۴ و ۱ روایت از آن‌ها نقل کرده (عبدالرسول غفار، ۵۰۳)، اما در الکافی موجود این اسامی در آغاز اسناد روایات دیده نمی‌شود. مجموع روایات محمد بن یعقوب کلینی به واسطه «عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ» مشتمل بر ۱۵۵۴ روایت است.^۹ روایات دیگر کلینی از علی بن محمد بن ابراهیم کلینی رازی در قالب «عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ» است که بنا بر گزارش علامه حلی (خلاصة، ۴۳۰) از کلینی، علی بن محمد جزو آن‌هاست:

قال الشيخ الصدوق محمد بن يعقوب الكليني في كتابه الكافي في أخبار كثيرة ... وكلما ذكرته في كتابي المشار إليه عدة من أصحابنا عن سهل بن زياد، فهم علي بن محمد بن^{۱۰} علان ومحمد بن أبي عبد الله ومحمد بن الحسن ومحمد بن عقيل الكليني.^{۱۱}

این بخش از سند، جزو سند مشهوری است که یکی از محققان معاصر (نک: شبیری، ۸۸) در زمره اسناد مشهور کتب اربعه استخراج کرده است. یازدهمین سند این مجموعه چنین است:

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونٍ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) ...

ظاهراً برخی سندها همچون سند زیر، صورت‌بندی دیگری از همین سند است:

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَعَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَمُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونٍ الْقَدَّاحِ وَعَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) ... (کلینی، ۳۴/۱): «بَابُ ثَوَابِ الْعَالِمِ وَالْمُتَعَلِّمِ»، ح ۱).

۷. ارتباط برخی از روایات آن به این موضوع نیز به نوعی قابل توجیه است. در ادامه به این مطلب بیشتر خواهیم پرداخت.

۸. این شمارش‌ها برگرفته از نرم افزار درایة النور است.

۹. این شمارش برگرفته از نرم افزار درایة النور است.

۱۰. فاضل استرآبادی (به نقل از شفتی، ۵۰۳؛ نیز نک: ابوالهدی کلباسی، ۲۴۹/۱) معتقد است که واژه «بن» در اینجا زائد است و عنوان صحیح «علی بن محمد علان» است؛ اما مرحوم سید محمدباقر شفتی (همانجا) با این احتمال مخالفت کرده و معتقد است که علان، لقب هر چهار عضو این خانواده بوده است.

۱۱. برای نمونه‌هایی از روایات کلینی به این شیوه نک: کلینی، ۲۸/۱، ۴/۲، ۱۴، ۱۶، ۲۱، ۲۶، ۵۱، ۷۹.

گاه کلینی (۴۰/۱، ح ۳) روایت را به تنهایی به واسطه علی بن محمد از سهل از جعفر اشعری از ابن میمون قَدَّاح از امام صادق (ع) نقل کرده است:

عَلِيَّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونٍ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) ...

با وجود روایات فراوان کلینی از علی بن محمد کلینی رازی به این دو شیوه، شگفت‌آور است که آیت‌الله خوبی (۱۳۷ / ۱۳) در شرح حال علی بن محمد بن ابراهیم پس از گزارش عبارات نجاشی و نقل اینکه او دایی کلینی بوده، و نقل قول از علامه حلی در تعیین «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ» خود متذکر می‌شود که هرچند وی از استادان شیخ کلینی بوده است، اما نه در کتاب الکافی و نه هیچ کتاب دیگری، به روایتی از محمد بن یعقوب از او دست نیافته است:

و علی ذلک فعلی بن محمد المعروف بعلمان من مشایخ الكلینی، و لکنه لم نظفر لا فی الکافی و لا فی غیره بروایة محمد بن یعقوب عنه، و الله العالم.

این احتمال می‌رود که مقصود ایشان، نقل بی‌واسطه شیخ کلینی از علی بن محمد بوده است. با توجه به آنچه پیشتر گذشت، این احتمال مبتنی بر این دیدگاه آیت‌الله خوبی است که مقصود از «علی بن محمد» در آغاز آساند الکافی، «علی بن محمد بن بُندار» است. همانجا نادرستی این نظر با ذکر دلایل و شواهدی گذشت.

نکته جالب توجه آنکه محمد بن یعقوب کلینی همه روایات خود از علان رازی را در الکافی نقل نکرده است. شاهد این امر، روایتی است که شیخ صدوق (کمال‌الدین، ۴۰۸/۲) به واسطه محمد بن محمد بن عصام کلینی از محمد بن یعقوب کلینی از علان نقل کرده که در الکافی نیامده است. سند و متن روایت شیخ صدوق این است:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عِصَامٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكَلْبِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي عَلَانُ الرَّازِيُّ قَالَ أَخْبَرَنِي بَعْضُ أَصْحَابِنَا: أَنَّهُ لَمَّا حَمَلَتْ جَارِيَةُ أَبِي مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَتَحْمِلِينَ ذَكَرًا وَ اسْمُهُ مُحَمَّدٌ وَ هُوَ الْقَائِمُ مِنْ بَعْدِي.

۴. منبع شیخ کلینی در نقل روایات علان کلینی

گفتیم که شیخ کلینی بی‌واسطه از علی بن محمد کلینی رازی مشهور به علان کلینی کلینی به دو شکل نقل حدیث کرده است؛ یکی با تصریح به نام وی در آغاز سند و دیگری در قالب «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ».

روایات گونه نخست، طیفی وسیع و متنوع از موضوعات اعتقادی، فقهی و اخلاقی را شامل می‌شود. روایاتی از او در بخش‌های مختلف اصول، فروع و روضه الکافی نقل شده است. از جمله

روایات وی در بخش اصول، در ابواب مختلف «کتاب الحُجَّة» جای گرفته است. پرسش این است که آیا شیخ کلینی این روایات را از منبعی مکتوب تألیف علی بن محمد کلینی رازی برگرفته است؟ نجاشی تنها یک اثر از او با عنوان کتاب أخبار القائم (علیه السلام) نام برده است و به دو واسطه یعنی محمد بن محمد بن نعمان مشهور به شیخ مفید (م ۴۱۳ق) از جعفر بن محمد بن قولویه قمی (م ۳۶۸ق) به آن دسترسی داشته است: «أخبرنا محمد قال: حدثنا جعفر بن محمد قال: حدثنا علي بن محمد» (نجاشی، ۲۶۰-۲۶۱). عنوان این کتاب با موضوع روایاتی از او در ابواب مختلف الکافی همخوانی دارد، از این رو احتمال بسیار می‌رود که این اثر، منبع مکتوب شیخ کلینی در نقل این روایات بوده است. محمد جعفر بن محمد ظاهر خراسانی کرباسی (م ۱۱۷۵ق؛ ص ۳۸۲) نخستین و در عین حال تنها عالمی است که به این مطلب اشاره کرده است. به گفته او بیشتر روایات موجود در الکافی در باب تولد امام حسن عسکری (ع) و حضرت حجت (عج) که نام علی بن محمد در آغاز آن‌ها آمده، برگرفته از این کتاب است:

في الكافي أكثر من ذكر علي بن محمد في صدر السند في مولد أبي محمد الحسن بن علي ومولد الصاحب (عليهما السلام)، وهو يناسب كتابه.

هرچند بنا بر یک نظر، «با توجه به عنوان کتاب وی و روایات نقل شده از او در کافی، به نظر می‌رسد احادیث دو باب اشاره و نص بر امامت امام عسکری (علیه السلام) و حضرت ولی عصر (عج) از کتاب او اخذ شده است» (حمادی و حسینی، ص ۵)، اما گفتنی است که بنا بر برخی شواهد احتمال می‌رود روایات شیخ کلینی از این منبع مکتوب محدود به دو باب ولادت امام حسن عسکری و حضرت صاحب (علیهما السلام) - «بَابُ مَوْلِدِ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ» و «بَابُ مَوْلِدِ الصَّاحِبِ عَلَيْهِ السَّلَامُ» - یا دو باب اشاره و نص بر امامت امام حسن عسکری و امام زمان (علیهما السلام) - «بَابُ الْإِشَارَةِ وَالنَّصِّ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ» و «بَابُ الْإِشَارَةِ وَالنَّصِّ إِلَى صَاحِبِ الدَّارِ عَلَيْهِ السَّلَامُ» - نباشد.

بنا بر گزارش‌های نجاشی از طرق روایی کتب حدیثی، او حضور پررنگی در نقل آن‌ها ندارد.^{۱۲} نام او تنها در طریق روایت کتب دو مؤلف در فهرست نجاشی دیده می‌شود؛ یکی کتاب استاد روایتش ابوسعید سهل بن زیاد آدمی رازی و دیگری کتب محمد بن حسن بن شَمُون (م ۲۵۸ق). نجاشی، دو کتاب را برای سهل بن زیاد معرفی کرده است: کتاب التوحید و کتاب النوادر. طریق وی به کتاب اخیر، به واسطه علی بن محمد کلینی رازی است: «و له كتاب النوادر، أخبرنا محمد بن محمد قال: حدثنا جعفر بن محمد، عن محمد بن يعقوب قال: حدثنا علي بن محمد، عن سهل بن زياد، و رواه عنه جماعة» (نجاشی، ۱۸۵). او همچنین برای محمد بن حسن بن شَمُون، ۳ کتاب معرفی کرده است:

۱۲. البته باید توجه داشت که به تصریح خود نجاشی، او در فهرست خود قصد گزارش همه طرق روایت یک کتاب حدیثی نبوده است (نجاشی، ۳).

کتاب السنن و الآداب و مکارم الأخلاق، کتاب المعرفة و کتاب نوادر. علی بن محمد بن کلینی رازی همه این کتاب‌ها را به واسطه استادش سهل بن زیاد از مؤلف روایت کرده است: «أخبرنا أحمد بن علي قال: حدثنا ابن أبي رافع، عن محمد بن يعقوب، عن علي بن محمد، عن سهل بن زیاد، عن محمد بن الحسن بن شمون بكتبه كلها ما خلا التخليط» (نجاشی، ۳۳۶).

از آنجا که بیشتر روایات علی بن محمد کلینی رازی در الکافی به نقل از سهل بن زیاد است، این احتمال می‌رود که وی در این موارد واسطه شیخ کلینی در نقل روایات کتاب سهل بن زیاد بوده است. بنا بر یک نظر، «اما در بیشتر موارد، وی نقش طریق به کتاب‌های دیگران را داشته است. در این میان، ۱۹۹ روایات علان در کافی از سهل بن زیاد و ۷۰ روایت از صالح بن ابی حماد رازی دریافت شده است. سهل بن زیاد، صاحب کتاب نوادر بوده که از طریق علان به کلینی منتقل شده و در اختیار سایر مشایخ قرار گرفته است. صالح بن ابی حماد نیز دو کتاب با عنوان‌های خطب أمير المؤمنين و النوادر تألیف کرده است. بیشتر روایات ابن ابی حماد در کافی از امام باقر (ع)، امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) است که به نظر می‌رسد از کتاب نوادر او گرفته شده و علان طریق به کتاب اوست» (حمادی و حسینی، ۵). هرچند این احتمال در مواردی همچون روایات کتاب التوحید الکافی دور از ذهن نیست، اما دست کم در خصوص برخی ابواب کتاب الحجّة آن بعید می‌نماید.

چنین به نظر می‌رسد که زندگی و فعالیت علان کلینی در دوره غیبت صغری او را بر آن داشت تا کتابی درباره امام دوازدهم با عنوان کتاب أخبار القائم تألیف کند. در این دوران، جامعه تشیع امامی با بحرانی نو در قالب غیبت امام و گونه‌ای جدید از سبک امامت مواجه شده بود. برخی روایات منقول از او در الکافی نیز کاملاً با این بحران مرتبط است، روایاتی که به مفهوم‌سازی دوگانه امام حاضر و غایب می‌پردازد و بر حقیقت و واقعیت غیبت امام از زبان ائمه پیشین تصریح می‌کند.

زمینه بروز این بحران‌ها، تشکیک و اختلاف جامعه شیعه امامی نسبت به وجود فرزندی پسر برای امام حسن عسکری (ع) بوده است. نمونه‌ای از این تردیدها در رساله ابوالحسن علی بن احمد بن بشّار در رد نظریه شیعیان امامی پیرو امام حسن عسکری (ع) که پس از شهادت آن حضرت به امامت و غیبت فرزند ایشان معتقد بودند بازتاب یافته است. او ادعای اصحاب خاص امام حسن عسکری (ع) را که آن حضرت فرزندی داشتند، بی‌اساس دانسته و مدعی شده است که پیش از شهادت آن حضرت، هیچ‌کسی چنین فرزندی را ندیده و درباره او چیزی شنیده بود و از زمان ادعای وجود او، هنوز کسی او را ندیده است.^{۱۳} این مسئله به نوبه خود تداوم جریان امامت را با چالشی دیگر روبرو می‌سازد. شیعیان امامی که بر پایه روایات عدد ائمه، به امامت دوازده امام باورمند بودند، دچار حیرت در تعیین مصداق امام دوازدهم شدند. با عدم پذیرش وجود پسری برای امام حسن عسکری (ع) مآلاً یکی از برادران آن حضرت به عنوان عهده‌دار مسئولیت امامت مطرح می‌شده است،

۱۳. برای گزارشی از این ادعا و پاسخ ابن قبه رازی به آن نک: صدوق، کمال الدین، ۵۱/۱-۶۳.

همچنان که گروهی از شیعیان پس از شهادت آن حضرت به امامت یکی از دو برادرانش محمد و جعفر باور یافتند (نک: اشعری قمی، ۱۰۱، ۱۰۹-۱۱۱؛ نوبختی، ۱۳۵-۱۳۶، ۱۳۹-۱۴۲، ۱۴۶-۱۴۷). ابن بشار یکی از پیروان فرقه «جَعْفَرِيَّة خُلُص» است که به امامت جعفر، باور داشتند (نک: صدوق، کمال‌الدین، ۵۲/۱-۵۳؛ درباره این فرقه نک: اشعری قمی، ۱۰۱). هرچند بنا بر نظریه و تحلیل شیعی از جریان امامت، امام معصوم باید از دودمان پیامبر (ص) باشد، اما بنا بر همین نگرش، امام پسین همواره باید فرزند امام پیشین باشد. استثنای این قاعده تنها در خصوص امام حسن مجتبی و امام حسین (علیهما السلام) است که جریان امامت پس از شهادت امام حسن (ع) از سوی برادر تداوم یافت. با نظر به این مسئله، روایاتی که علی بن محمد درباره انحصار امامت دو برادر - یکی پس از دیگری - در امام حسن و امام حسین (ع) نقل کرده می‌تواند پاسخی به چالش روزگار غیبت صغری و ادعای باورمندان امامت فرزندان امام هادی (ع) یعنی محمد و به‌طور ویژه تر جعفر پس از امام حسن عسکری (ع) تعبیر شود.

چنانچه تلاش علان کلینی را در این بافت تحلیل تاریخی ناظر به عصر غیبت صغری مورد توجه قرار دهیم، روایات منقول از کتاب او در الکافی محدود به چند باب و چند روایت مختصر نخواهد بود. بنا بر این، می‌توان احتمال داد که کتاب أخبار القائم علی بن محمد کلینی رازی مشتمل بر دو گونه روایت بوده است؛ گونه نخست روایاتی که به چالش عصر غیبت صغری و به طور خاص وجود و ولادت فرزندی پسر برای امام حسن عسکری (ع)، تداوم جریان امامت در او و رؤیت او از سوی برخی شیعیان پاسخ می‌دهد که ما از آن‌ها به «روایات خاص» تعبیر می‌کنیم. این روایات غالباً گزارش‌هایی با زنجیره اسناد کوتاه هستند که شیعیان خاص امام حسن عسکری (ع) گزارشگران آن‌ها هستند. گونه دیگر روایاتی هستند که به برخی مسائل زمینه‌ای یا پیرامونی امامت امام زمان (ع) همچون انحصار امامت دو برادر در حسنین (علیهما السلام) با رویکرد نفی امامت جعفر، غیبت امام دوازدهم، تأکید بر انگاره دوگانه امام حاضر و امام غائب، صحت امامت کودک خردسال اشاره دارند که از آن‌ها به «روایات عام» تعبیر می‌شود. این روایات عموماً دارای سلسله اسناد بلند و حکایت سخنان امامان پیشین هستند. در صورت درستی این تحلیل و اشتغال کتاب علی بن محمد کلینی بر هر دو گونه روایات، باید حجم آن‌را فراتر از چند روایت اندک در چند باب محدود دانست.

پیش از اشاره تفصیلی به دو گونه روایات و تحلیل محتوایی آن‌ها، بایسته است بر این نکته تأکید کرد که این تقسیم‌بندی مبتنی بر شواهد و نشانه‌های سندی و متنی است و به هیچ‌روی بر قطعیت آن دلالت ندارد. به همین شکل، مرزبندی میان این دو گونه روایات نیز بر شواهدی استوار است که روشن و قطعی نیست.

گفتنی است افزون بر کلینی، شاگردش محمد بن ابراهیم مشهور به کاتب نعمانی (م ۳۸۰ق) در کتاب الغیبة (برای نمونه نک: نعمانی، الغیبة، ۶۸-۶۹، ۹۵-۹۶، ۱۳۲، ۱۳۷-۱۳۸، ۱۵۱-۱۵۲،

۱۵۶-۱۵۵)،^{۱۴} شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) در کتاب کمال الدین و تمام النعمة (برای نمونه نک: صدوق، کمال الدین، ۴۳۵/۲-۴۳۶: به واسطه محمد بن یعقوب کلینی، ۴۳۷، ۴۸۳، ۴۸۵، ۴۸۶)، خزاز قمی (از علمای قرن چهارم هجری) در کفایة الأثر (خزاز قمی، ۲۹۳-۲۹۴ به نقل از محمد بن یعقوب کلینی) و شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) در کتاب الغیبة (برای نمونه نک: طوسی، الغیبة، ۲۰۰، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۸۴، ۲۹۷) نیز از کتاب علی بن محمد کلینی رازی روایت کرده‌اند.

۴-۱. گونه اول: روایات خاص

یکی از ابواب کتاب الحجة الکافی که با عنوان و موضوع کتاب أخبار القائم (علیه السلام) علی بن محمد کلینی رازی همسو و همخوانی کامل دارد، «بَابُ الْإِشَارَةِ وَ النَّصِّ إِلَى صَاحِبِ الدَّارِ عَلَيْهِ السَّلَامُ» است (کلینی، ۳۲۸/۱-۳۲۹). از دیگر شواهد نقل شیخ کلینی از این کتاب، افزون بر قرینه تناسب و همسویی مضمون و محتوای این روایات با عنوان کتاب علی بن محمد، آنکه عموم این روایات از راویانی جز سهل بن زیاد نقل شده است. از میان شش روایتی که شیخ کلینی در این باب نقل کرده، چهار روایت آن - یعنی روایات شماره ۱، ۳، ۴ و ۶ - از علی بن محمد است. در روایت نخست، علی بن محمد از محمد بن علی بن بلال نقل کرده که از جانب امام حسن عسکری (ع) دو مرتبه در خصوص جانشین آن حضرت پیامی دریافت کرده است؛ یک مرتبه دو سال و مرتبه دوم سه روز پیش از رحلت آن حضرت. در روایت سوم باب، علی بن محمد از جعفر بن محمد کوفی از جعفر بن محمد مکفوف از عمرو اهواری نقل کرده است که امام حسن عسکری (ع) فرزندشان را به او نشان داده و تصریح کرده است که صاحب امر امامت پس از آن حضرت خواهد بود. در روایت چهارم، علی بن محمد از حمدان بن احمد قانسی گفتگوش با عثمان بن سعید عمری - اولین نائب از نواب اربعه - (م پیش از ۲۶۷ق) مبنی بر رحلت امام حسن عسکری (ع) و تعیین جانشین پس از خود را گزارش کرده است. در روایت ششم نیز علی بن محمد از حسین و محمد پسران علی بن ابراهیم از محمد بن علی بن عبدالرحمن عبیدی از عبد قیس از ضوین علی عجلی از مردی پارسی که نامش را برد ماجرای تشریف خدمت امام حسن عسکری (ع) و رؤیت فرزند آن حضرت را گزارش کرده است. علاوه بر روایت اخیر، ظاهراً علی بن محمد کلینی رازی، گزارش‌های مربوط به کسانی که حضرت حجت (ع) را در دوران حیات پدر بزرگوارشان یا پس از آن رؤیت کرده‌اند نیز در کتاب خود نقل کرده است؛ چه آنکه در باب حدیثی «فِي تَسْمِيَةِ مَنْ رَأَاهُ (علیه السلام)» (کلینی، ۳۲۹/۱-۳۳۲) - که پس از «بَابُ الْإِشَارَةِ وَ النَّصِّ إِلَى صَاحِبِ الدَّارِ عَلَيْهِ السَّلَامُ» آمده - نیز وضعیت مشابهی همچون باب پیشین دارد، از یک سو عنوان و مضمون روایات آن کاملاً با عنوان کتاب علی بن محمد کلینی رازی همسو است و از سوی دیگر علی بن محمد روایات آن را از راویانی جز سهل بن زیاد نقل کرده است. از میان ۱۵ روایت این باب، ۱۲ روایت از علی بن محمد نقل شده است. چنانکه از متن

۱۴. جالب توجه آنکه همه این موارد به واسطه محمد بن یعقوب کلینی است.

گزارش‌ها برمی‌آید روایات ۲، ۴، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۴ به رؤیت آن حضرت در سنین کودکی و در دوران حیات امام حسن عسکری (ع) و روایات ۶، ۷ و ۱۵ به رؤیت حضرت در دوران امامت و احتمالاً سنین جوانی و میان‌سالی اشاره دارد. در روایت ۵ نیز اشاره‌ای یا نشانه‌ای بر سن حضرت وجود ندارد. روایات منقول دیگر از کتاب علی بن محمد کلینی رازی در باب نهی از ذکر نام مبارک حضرت حجت (ع) - «بَابُ فِي التَّهْيِ عَنِ الْإِسْمِ» - آمده است. در آغاز سند ۲ روایت نخست از ۴ روایت این باب نام علی بن محمد دیده می‌شود. بار دیگر همان دو نشانه پیشین در اینجا نیز قابل مشاهده است؛ یکی ساختاری - سندی (نقل از روایانی جز سهل بن زیاد) و دیگری همسویی محتوایی با عنوان کتاب *أخبار القائم [عليه السلام]* او. روایت اول را علی بن محمد را به دو واسطه از امام هادی (ع) نقل کرده است. آن حضرت در این روایت، ابتدا به جانشینی امام حسن عسکری (ع) اشاره کرده و سپس بیان داشته است که مردم جانشین جانشینش را به چشم نخواهند دید، از ذکر نام او نهی و توصیه کرد که او را «حَجَّتْ از آل محمد» («الْحُجَّةُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ») بخوانند. در روایت دوم، به دلیل و فلسفه عدم ذکر نام حضرت حجت (ع) اشاره شده است. بنا بر گزارش علی بن محمد از ابو عبدالله صالحی، پس از فوت امام حسن عسکری (ع) یکی از اصحابش از او خواست که راجع به اسم و مکان آن حضرت بپرسد. جواب آمد که «اگر اسم را به آن‌ها بگویی فاش می‌کنند، و اگر مکان را بدانند، نشان می‌دهند».

بی تردید روایات شیخ کلینی از علی بن محمد در «بَابُ مَوْلِدِ الصَّاحِبِ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (کلینی، ۵۲۵-۵۱۴) از کتاب *أخبار القائم* اوست. از میان ۳۱ روایت این باب، ۲۳ مورد - روایات شماره ۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹ و ۳۱ - از علی بن محمد نقل شده است. از میان آن‌ها، روایات شماره ۸، ۲۰، ۲۶، ۲۹ و ۳۱ از علی بن محمد بدون هیچ واسطه‌ای گزارش کرده است.

۴-۲. کونه دوم: روایات عام

روایاتی از علی بن محمد از سهل بن زیاد آدمی در دو باب «الْإِشَارَةُ وَ النَّصُّ عَلَى أَبِي جَعْفَرِ الثَّانِي (عَلَيْهِ السَّلَامُ)» (کلینی، ۳۲۰-۳۲۳) و «الْإِشَارَةُ وَ النَّصُّ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)» (کلینی، ۳۲۵-۳۲۸/۱) «کتاب الحجّة» الکافی نقل شده است که احتمال می‌رود از کتاب *أخبار القائم* اخذ شده باشد؛ زیرا اولاً در سایر ابواب مربوط (یعنی ابواب اشاره و نص بر امامت امام علی تا امام رضا و باب اشاره و نص بر امامت امام هادی علیهم السلام) هیچ روایتی با این سند نیست، ثانیاً مضمون روایات وی در این دو باب به گونه‌ای به موضوع حضرت حجت (ع) مرتبط است. طبیعی است که وجود نصوصی بر امامت امام جواد (ع) در کتاب علی بن محمد کلینی رازی باید دلیل و توجیهی منطقی داشته باشد. مسئله‌ای مشترک میان امامت امام جواد (ع) و امام زمان (عج) می‌تواند توجیه این امر باشد. می‌دانیم که یکی از چالش‌های مهم فراروی امامت امام جواد (ع)، مسئله امامت خردسال و کیفیت علم او بوده است (برای نمونه نک: اشعری قمی، ۹۵-۹۹؛ طبری، ۳۸۸-۳۹۰).

مشابه این چالش درباره امامت حضرت حجت (ع) نیز مطرح بوده است. چه بسا این چالش مشترک، دلیلی برای علی بن محمد بوده است که نصوص دال بر امامت امام جواد (ع) را در کتابش نقل کرده است. اشاره به نصوص امامت امام حسن عسکری (ع) نیز می‌تواند از آن رو باشد که گروهی از شیعیان، پس از شهادت امام هادی (ع) قائل به امامت فرزند بزرگتر آن حضرت یعنی سید محمد ملقب به «سَبْعُ الدُّجَيْلِ»^{۱۵} (م ۲۵۲ق) - عمومی امام زمان (ع) - بودند (اشعری قمی، ۱۰۱، ۱۰۹-۱۱۰؛ نوبختی، ۱۳۵-۱۳۶، ۱۴۱-۱۴۲، ۱۴۶-۱۴۷). در صورت درستی این ادعا، ادامه جریان امامت و اتصال آن به حضرت حجت (ع) مختل و با چالشی جدی مواجه خواهد شد. مشابه این تحلیل را می‌توان درباره دومین روایت در باب «ثَبَاتُ الْإِمَامَةِ فِي الْأَعْقَابِ وَ أَنَّهَا لَا تَعُودُ فِي أَخٍ وَ لَا عَمٍّ وَ لَا غَيْرِهِمَا مِنَ الْقَرَابَاتِ» (کلینی، ۲۸۶/۱) منقول از علی بن محمد از سهل بن زیاد مطرح کرد:

عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ سَمِعَهُ يَقُولُ أَبِي اللَّهِ أَنْ يَجْعَلَهَا لِأَخْوَانِ بَعْدَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ.

عنوان باب و مضمون روایت، آشکارا یادآور جریان امامت پس از شهادت امام حسن عسکری (ع) است. پس از شهادت آن حضرت، برادرش جعفر (م ۲۷۱ق) مدعی منصب امامت بود (صدوق، کمال‌الدین، ۴۳/۱-۴۴، ۳۱۹، ۴۷۵/۲. نیز نک: اشعری قمی، ۱۱۰-۱۱۱؛ نوبختی، ۱۳۹-۱۴۱). برخی شیعیان نیز قائل به امامت محمد - برادر بزرگتر امام حسن عسکری (ع) - به عنوان جانشین امام هادی (ع) یا حتی خود آن حضرت بودند (اشعری قمی، ۱۰۱، ۱۰۹-۱۱۰؛ نوبختی، ۱۳۵-۱۳۶، ۱۴۱-۱۴۲، ۱۴۶-۱۴۷).^{۱۶} روایت با تأکید بر انحصار امامت دو برادر در خصوص حسنین (علیهما السلام)، درباره انکار ادعای امامت محمد و جعفر در دوره امامت حضرت حجت (ع) سوگیری دارد. سایر روایات باب نیز به گونه‌ای به همین امر اشاره دارد.

سومین روایت از سه روایت باب بعدی - «بَابُ نَادِرٍ فِي خَالِ الْغَيْبَةِ» - نیز از علی بن محمد نقل شده است (کلینی، ۳۳۵/۱). روایات مربوط به غیبت امام دوازدهم دسته دیگر از روایاتی است که شیخ کلینی ظاهراً از کتاب علی بن محمد کلینی رازی در «بَابُ فِي الْغَيْبَةِ» نقل کرده است. نام او در آغاز سند ۶ روایت از ۳۱ روایت این باب یعنی روایات شماره ۲، ۷، ۱۳، ۱۴، ۲۲ و ۲۴ دیده می‌شود (کلینی، ۳۳۵/۱-۳۴۳). چنانکه از عنوان باب برمی‌آید در این روایات به مسئله غیبت اشاره و توصیه‌هایی در این باره از سوی امامان (علیهم‌السلام) مطرح شده است. در روایت دوم، امام کاظم

۱۵. «سَبْعُ الدُّجَيْلِ» به معنای «شیرمرد دُجیل» است. «دُجیل» نام منطقه‌ای مسکونی در اطراف نهری به همین نام در شمال عراق در نزدیکی سامراء بوده است. نک: حموی، ۴۴۳/۲.

۱۶. این اندیشه در میان شیعیان، یادآور نظریه امامت فطحیه است. در منابع فرق‌نگاری نیز به این مشابهت اشاره شده است. برای نمونه نک: اشعری قمی، ۸۷-۸۸.

(ع) متذکر حفظ دین در دوران غیبت، در روایت شماره ۷ گفتگوی اصبع بن نباتة با امام علی (ع) درباره مدت زمان غیبت و برخی شرایط آن دوران، در روایت شماره ۱۳ بخشی از خطبه امیرالمؤمنین علی (ع) درباره لزوم وجود حجت الهی خواه ظاهر و خواه غائب، در روایت چهاردهم تفسیر آیه ۳۰ سوره ملک «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ» بر غیبت امام از سوی امام کاظم (ع)، تفسیر آیات ۱۵ و ۱۶ سوره تکویر «فَلَا أُفْسِمُ بِالْجَوَارِ الْكُنُوسِ» به غیبت امام در سال ۲۶۰ هجری قمری از سوی امام باقر (ع)، بیان شرط ظهور از سوی امام هادی (ع) در روایت شماره ۲۴ اشاره شده است. چنانکه مشهود است مضمون این روایات با عنوان کتاب أخبار القائم (علیه السلام) همراستا است. روایات ۲، ۷، ۲۲ و ۲۴ به ترتیب از حسن بن عیسی بن محمد، عبدالله بن محمد بن خالد، جعفر بن محمد و «بعض أصحابنا» نقل شده است، اما روایات ۱۳ و ۱۴ از سهل بن زیاد روایت شده است. تعدد و پراکندگی واسطه‌ها و طرق نقل این روایات، احتمال اینکه شیخ کلینی آن‌ها را از منبع مکتوبی غیر از کتاب أخبار القائم علی بن محمد کلینی رازی روایت کرده باشد تقریباً منتفی می‌سازد.

ظاهراً نخستین روایت باب «كَرَاهِيَةُ التَّوَقُّيْتِ» نیز از کتاب علی بن محمد است. مضمون این روایت گفتگوی میان ابوحمزه ثمالی و امام باقر (ع) است. آن حضرت خطاب به ابوحمزه از دو مرتبه تأخیر در امر ظهور سخن گفته است، یکی به دلیل کشته شدن امام حسین (ع) و دیگری به سبب افشای این سرّ از سوی برخی اصحاب. پس از آن، زمان ظهور حتی برای ائمه (علیهم السلام) نیز وضعیتی رازگونه یافت (کلینی، ۳۶۸/۱).

ششمین روایت از «بَابُ التَّمَجِيسِ وَ الْإِمْتِحَانِ» در «کتاب الحجّة» نیز از علی بن محمد از سهل بن زیاد با موضوعی درباره ظهور منجی است. در این روایت، امام صادق (ع) شرایطی را برای شیعیان و جامعه شیعه به عنوان لازمه ظهور آن حضرت همچون امتحان، غربالگری، ناامیدی از بهبود وضعیت سخت و سعادت و شقاوت نیکان و اشقیاء معرفی می‌کند (کلینی، ۳۷۰/۱-۳۷۱).

روایت سوم و هفتم از میان روایات هفتگانه «بَابُ أَنَّهُ مَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ لَمْ يَضُرَّهُ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ» (کلینی، ۳۷۱/۱-۳۷۲) از علی بن محمد از سهل بن زیاد است که ظاهراً از گونه دوم روایات کتاب أخبار القائم علی بن محمد کلینی رازی است. در روایت سوم، امام صادق (ع) در پاسخ به پرسش ابوبصیر اسدی از زمان فرج و مفهوم آن سخن گفته و رابطه آن با انتظار فرج را برایش معنا کرده است. در روایت هفتم نیز آن حضرت، بر لزوم شناخت امام زمان خود تأکید کرده که در صورت شناخت او، تقدیم یا تأخیر در امر ظهور برای فرد زبانی به دنبال نخواهد داشت و شناخت امام موجب می‌شود تا شخص در خیمه امام منتظر جای گیرد.

روایت پنجم و آخرین روایت از «بَابُ فِيمَنْ دَانَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِغَيْرِ إِمَامٍ مِنَ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ» نیز از علی بن محمد است. در این روایت، امام صادق (ع) بر لزوم شناخت امام حقیقی و دوری از عذاب

الهی به عنوان اثر پذیرش امامت او در مقابل تعذیب امت به سبب پذیرش امامت امام غیرحقیقی اشاره کرده است (کلینی، ۳۷۶/۱).

دو روایت شماره ۴ و ۵ از «بَابُ حَالَاتِ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فِي السَّنِّ» نیز به گونه‌ای به موضوع امام زمان (ع) ارتباط دارد. در این دو روایت بر امکان امامت خردسال در سنین کودکی اشاره شده است. در روایت چهارم از امام صادق (ع) بر امکان امامت کودکی پنج ساله و در روایت پنجم از امام جواد (ع) بر امکان امامت کودکی کمتر از ۷ و بلکه ۵ سال تأکید شده است. این دو روایت کاملاً با سنّ امام زمان (ع) به هنگام وفات پدر بزرگوارشان و آغاز دوران امامتشان همخوانی دارد. گویی در این دو روایت، برای پذیرش این مسئله - امامت امام زمان در سن ۵ سالگی - زمینه‌چینی صورت گرفته است (کلینی، ۳۸۳/۱-۳۸۴).

روایت نخست «بَابُ مَوَالِدِ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ» را علی بن محمد از عبدالله بن اسحاق علوی به سند خود از امام صادق (ع) نقل کرده است. امام در این حدیث، به نوشیدن نوشیدنی خاصی در شب انعقاد نطفه خود، پدرانش و فرزندش امام کاظم (ع) که روان‌تر از آب و نرم‌تر از کره و شیرین‌تر از عسل و خنک‌تر از برف و سفیدتر از شیر بود و از آسمان به واسطه مأمور غیبی الهی رسیده بود اشاره دارد (کلینی، ۳۸۵/۱-۳۸۷). از تعبیر امام چنین برداشت می‌شود که نوشیدن این نوشیدنی از اختصاصات امام معصوم به هنگام انعقاد نطفه‌اش بوده است. احتمالاً با چنین برداشتی، علی بن محمد این روایت را به مثابه نشانه امامت که شامل امام زمان (عج) نیز می‌شده در کتاب خود نقل کرده است. هفتمین و آخرین روایت همین باب نیز از علی بن محمد از «بعض أصحابنا» نقل شده و به روشنی از نشانه‌های دهگانه امامت از زبان امام باقر (ع) سخن گفته است (کلینی، ۳۸۸/۱-۳۸۹). ظاهراً او دلالت این احادیث را به گونه‌ای عام شامل حضرت حجت نیز می‌دانسته و بدینسان در کتاب خود جای داده است.

سه روایت دوم و پنجم و هفتم از «بَابُ أَنَّ الْجِنَّ يَأْتِيهِمْ فَيَسْأَلُونَهُمْ عَنْ مَعَالِمِ دِينِهِمْ وَ يَتَوَجَّهُونَ فِي أُمُورِهِمْ» از علی بن محمد به سند خود به ترتیب از امام صادق و امام رضا و امام باقر (علیهم السلام) درباره حضور گروهی از جنیان در حضور امام و طرح مسائل دینی و پرسش‌های حلال و حرام از آن حضرات است (کلینی، ۳۹۴/۱-۳۹۷). مشابه دو روایت پیشین، گویا علی بن محمد این موضوع را از مختصات عمومی همه امامان دانسته، از این رو در کتاب خود نقل کرده است.

نهمین حدیث نقل شده در «بَابُ مَا يَجِبُ مِنْ حَقِّ الْإِمَامِ عَلَى الرَّعِيَّةِ وَ حَقِّ الرَّعِيَّةِ عَلَى الْإِمَامِ» از علی بن محمد از سهل بن زیاد درباره حق مردم بر امام است. بنا بر فرموده امام رضا (ع) در این روایت، بدهکاری که در راه حق وام گرفته باشد تا يك سال به او مهلت دهند، اگر گشایشی یافت که خود می‌پردازد وگرنه باید امام بدهی او را از خزانه عمومی پرداخت نماید (کلینی، ۴۰۷/۱).

ششمین روایت «بَابُ أَنَّ الْأَرْضَ كُلَّهَا لِلْإِمَامِ (علیه السلام)» نیز از علی بن محمد از سهل بن زیاد درباره بهره دنیوی پیامبر (ص) است. در این حدیث، امام حسن عسکری (ع) در پاسخ به سؤال

محمد بن ریان درباره روایتی که بیان می‌دارد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از دنیا جز خمس نصیبی ندارد، جواب داد که دنیا و آنچه بر آن می‌چرخد از آن رسول خداست (کلینی، ۴۰۹/۱). این روایت نیز می‌تواند از منظر علی بن محمد بازگوکننده ویژگی عمومی امام معصوم باشد، از این رو آنرا در کتابش آورده است.

روایت سوم در «بَابُ سِيَرَةِ الْإِمَامِ فِي نَفْسِهِ وَ فِي الْمَطْعَمِ وَ الْمَلْبَسِ إِذَا وَلِيَ الْأَمْرَ» از علی بن محمد از صالح بن ابی حماد احتجاج امیرالمؤمنین علی (ع) بر عاصم بن زیاد را گزارش می‌کند. ظاهراً عاصم بهره‌گیری از نعمت‌های دنیوی را ترک کرده بود و بر خود و خانواده‌اش در این باره سخت می‌گرفت. امام (ع) با اشاره به آیاتی از قرآن (الرحمن: ۱۰-۱۱، ۱۹-۲۰، ۲۲؛ الضحی: ۱۱)، او را به سبب این کج‌روی و سخت‌گیری بر فرزندان و همسرش توبیخ کرد. اما عاصم شیوه خود آن حضرت در اکتفا به خوراک سخت و پوشاک درشت را یادآور شد. امام (ع) در پاسخ به او، یکی از وظایف امام را برایش بازگو کرد که «همانا خدای عز و جل بر پیشوایان عدالت واجب ساخته که خود را در ردیف مردم ضعیف و ناتوان گیرند، تا فقر و تنگدستی، فقیر را از جا بدر نبرد» (کلینی، ۴۱۰/۱-۴۱۱). گویا این روایت نیز از منظر علی بن محمد بازگوکننده ویژگی عمومی امام معصوم در کیفیت زندگی و لزوم رعایت حال مستمندان جامعه است، از این رو آنرا در کتابش آورده است.

علی‌رغم نقل چند روایت از علی بن محمد در «بَابُ فِيهِ نُكْتُ وَ تَنْفٌ مِنَ التَّنْزِيلِ فِي الْوَلَايَةِ» (کلینی، ۴۱۲/۱-۴۳۶، ج ۲۸، ۳۷، ۳۸، ۸۴، ۸۵، ۸۸، ۹۱)، روایت شماره ۷۵ را می‌توان مرتبط با انگاره وجود دو گونه امام - امام حاضر و امام غائب - دانست. در این روایت منقول از امام کاظم (ع)، دو عبارت قرآنی «بُرِّ مُعْطَلَةٌ» و «قَصْرٌ مَشِيدٌ» در آیه ۴۵ سوره حج به ترتیب بر امام صامت (مفهومی دیگر برای «امام غائب») و امام ناطق (مفهومی جایگزین «امام حاضر») تفسیر شده است. سومین روایت از میان سه روایت «بَابُ أَنَّ الْأَيِّمَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ كُلُّهُمْ قَائِمُونَ بِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى هَادُونَ إِلَيْهِ» (کلینی، ۵۳۶/۱-۵۳۷)، از علی بن محمد است. به سبب قرابت مضمون این روایت با عنوان کتاب علی بن محمد، می‌توان آنرا منبع شیخ کلینی در نقل این روایت دانست. در این روایت، به نقل از امام صادق (ع) در تفسیر مفهوم «امام» در آیه «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ» (الإسراء/ ۷۱) نقل شده که مقصود امامی است که در میان آن‌هاست و او قائم اهل زمان خود است. در این روایت، هر امام معصومی، «امام قائم» عصر خود معرفی شده است.

نتیجه‌گیری

از آنچه به تفصیل در متن مقاله گذشت، این موارد قابل نتیجه‌گیری است:

۱. علی بن محمد بن ابراهیم بن ابان کلینی رازی که در منابع عموماً با عنوان علان کلینی شهرت دارد و نجاشی و به تبع او دیگران بر وثاقتش تصریح دارند؛ از جمله راویان کثیر الروایه‌ای است

- که عمده روایاتش در کتاب الکافی به دو صورت نقل شده است؛ گاه با تصریح به نام وی در سند و دیگری حضور وی در زمره «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ».
۲. مقصود از «علی بن محمد» در آغاز اسناد روایات الکافی - دست کم در بخش قابل توجهی از آن - علی بن محمد علان کلینی رازی است. نقل شماری از این روایات از سوی شیخ صدوق با تصریح به نام علان کلینی در سند آن‌ها («عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الرَّازِيِّ الْمَعْرُوفِ بِعَلَانَ الْكَلِينِيِّ») و قربت مضمونی روایات الکافی با عنوان کتاب أخبار القائم (علیه السلام) اثر علان کلینی شواهد این امر است.
۳. بررسی روایات نقل شده از او در الکافی نشان از آن دارد که شمار قابل توجهی از آن‌ها قربت مضمونی و محتوایی با عنوان و موضوع کتاب أخبار القائم (علیه السلام) دارند. این امر دلالت از آن دارد که به احتمال فراوان، این کتاب منبع شیخ کلینی در نقل آن‌ها بوده است.
۴. ظاهراً روایات کتاب أخبار القائم (علیه السلام) به لحاظ مضمون و محتوا بر دو گونه بوده است. گونه نخست مشتمل بر گزارش‌هایی خاص درباره حضرت حجت (عج) همچون ولادت آن حضرت و وجود فرزندی پسر برای امام حسن عسکری (ع)، رؤیت آن حضرت توسط برخی اصحاب، اشاره و نص بر امامت امام حسن عسکری و امام زمان (علیهما السلام) است. خصوصیت عمومی دیگر این روایات اینکه با زنجیره سندهایی کوتاه از روایاتی گزارش شده است که مستقیماً شاهد این دست امور مربوط به امام بوده‌اند. اما گونه دوم روایاتی از امامان پیشین مشتمل بر حقایق عام درباره آن حضرت و مسائل مرتبط با ایشان هستند، همانند تأکید بر اصل وجود غیبت، تقسیم دوگانه امام حاضر و امام غائب، کراهیت توقیت، وقایع و مفاهیمی قابل تطبیق بر آن حضرت همچون خصوصیات و ویژگی‌های عمومی امام معصوم و امامت.
۵. ویژگی ساختاری روایات دسته اخیر آنکه عمدتاً دارای سلسله اسناد بلند هستند و علی بن محمد عموم آن‌ها را از سهل بن زیاد نقل کرده است، برخلاف گونه نخست که علی بن محمد عموماً آن‌ها را از روایانی جز سهل بن زیاد روایت کرده است.
۶. نکته دیگر آنکه حجم روایات گونه دوم به نسبت دسته نخست بیشتر است. در اینجا دو احتمال وجود دارد. نخست آنکه کتاب أخبار القائم علی بن محمد کلینی رازی تنها مشتمل بر روایات گونه نخست بوده است. بنا بر این احتمال، باید گفت که این کتاب حجم زیادی نداشته است، جز آنکه گفته شود شیخ کلینی به نقل همین موارد اندک از آن اکتفا کرده است. مورد اخیر کمی دور از ذهن می‌نماید؛ زیرا به سبب دسترسی مستقیم شیخ کلینی به محتوای کتاب و قربتش با مؤلف و وثاقت وی عکس آن محتمل‌تر است. احتمال دیگر آنکه، هر دو دسته روایات از کتاب أخبار القائم است و محتوای آن مشتمل بر هر دو گونه روایات بوده است. بنا بر این احتمال، می‌توان گفت که این کتاب حجم قابل توجهی - به ویژه در بخش دوم روایات - داشته است.

منابع

- قرآن کریم.
۱. ابن داود حلّی، رجال ابن داود؛ تحقیق: جلال الدین حسینی ارموی؛ تهران؛ دانشگاه تهران؛ ۱۳۸۳ق/۱۳۴۲ش.
 ۲. ابن طاووس، علی بن موسی؛ مهج الدعوات ومنهج العبادات؛ قم؛ دار الذخائر؛ ۱۴۱۱ق.
 ۳. اردبیلی، احمد؛ مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان؛ تحقیق: آغا مجتبی عراقی و همکاران؛ قم؛ مؤسسه النشر الإسلامی.
 ۴. اردبیلی، محمد بن علی؛ جامع الرواة و إزاحة الاشتباهات عن الطرق و الإسناد؛ بیروت؛ دار الأضواء؛ ۱۴۰۳ق.
 ۵. اشعری قمی، سعد بن عبدالله؛ کتاب المقالات و الفِرَق؛ تحقیق: محمد جواد مشکور؛ تهران؛ مرکز انتشارات علمی و فرهنگی؛ ۱۳۶۱ش.
 ۶. باقری، حمید؛ «منبع معتبر» و نشانه‌های آن نزد محدثان مُتَقَدِّم امامی: نگاهی به جایگاه "منبع مکتوب" در حدیث پژوهی قُدما؛ پژوهش‌های قرآن و حدیث؛ دوره ۴۷؛ شماره ۱؛ فروردین ۱۳۹۳ش.
 ۷. بحر العلوم، سید مهدی؛ رجال السید بحر العلوم المعروف بالفوائد الرجالية؛ تحقیق: محمد صادق بحر العلوم؛ طهران؛ مکتبه الصادق؛ ۱۳۶۳ش.
 ۸. بروجرودی، سید علی؛ طرائف المقال فی معرفة طبقات الرجال؛ تحقیق: سید مهدی رجائی؛ قم؛ مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی؛ ۱۴۱۰ق.
 ۹. بهایی عاملی، محمد بن حسین؛ مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین؛ تحقیق: سید مهدی رجائی؛ مشهد؛ بنیاد پژوهش‌های اسلامی؛ ۱۴۲۹ق.
 ۱۰. تستری، محمد تقی؛ قاموس الرجال؛ قم؛ مؤسسه النشر الاسلامی؛ ۱۴۲۵ق.
 ۱۱. تفرشی، سید مصطفی؛ نقد الرجال؛ قم؛ موسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث؛ ۱۴۱۸ق.
 ۱۲. حائری مازندرانی، محمد بن اسماعیل؛ منتهی المقال فی أحوال الرجال؛ قم؛ موسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث؛ ۱۴۱۶ق.
 ۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعة؛ قم؛ مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث؛ ۱۴۱۴ق.
 ۱۴. حلّی، حسن بن یوسف، إیضاح الإشتباه؛ تحقیق: محمد حسون؛ قم؛ مؤسسه النشر الاسلامی؛ ۱۴۱۱ق.
 ۱۵. -----؛ خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال؛ تحقیق: جواد قیومی؛ قم؛ مؤسسه نشر الفقاهة؛ ۱۴۱۷ق.

۱۶. حمادی، عبدالرضا و حسینی، سید علیرضا؛ «بازشناسی منابع کلینی در تدوین کافی»؛ حدیث پژوهی؛ سال ششم؛ شماره یازدهم؛ بهار و تابستان ۱۳۹۳ ش.
۱۷. حموی، یاقوت بن عبدالله؛ معجم البُلدان؛ بیروت؛ دار إحياء التراث العربی؛ ۱۳۹۹ق/۱۹۷۹م.
۱۸. خراسانی کرباسی، محمدجعفر؛ إكليل المنهج فی تحقیق المطلب؛ تحقیق: سید جعفر حسینی اشکوری؛ قم؛ دار الحدیث؛ ۱۴۲۵ق.
۱۹. خزاز قمی رازی، علی بن محمد؛ کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر؛ تحقیق: سید عبداللطیف حسینی؛ قم؛ انتشارات بیدار؛ ۱۴۰۱ق.
۲۰. خوبی، سید ابوالقاسم؛ معجم رجال الحدیث؛ بی جا؛ ۱۴۱۳ق.
۲۱. شبیری، سید محمدجواد؛ أصول الرجال؛ نجف؛ دار البذرة؛ ۱۴۳۹ق/۲۰۱۸م.
۲۲. شفتی، سید محمدباقر موسوی؛ الرسائل الرجالية؛ تحقیق: سید مهدی رجائی؛ اصفهان؛ مکتبه مسجد السید باصفهان؛ ۱۴۱۷ق.
۲۳. شهیدثانی، حاشیة خلاصة الأقوال؛ چاپ شده در رسائل الشہید الثانی؛ تحقیق: رضا مختاری؛ قم؛ بوستان کتاب؛ ۱۴۲۲ق.
۲۴. صدوق، محمدبن علی بن بابویه؛ الأمالی؛ قم؛ مؤسسة البعثة؛ ۱۴۱۷ق.
۲۵. -----؛ التوحید؛ تحقیق: سید هاشم حسینی طهرانی؛ قم؛ مؤسسة النشر الإسلامی.
۲۶. -----؛ علل الشرائع؛ تحقیق: سید محمدصادق بحر العلوم؛ نجف؛ منشورات المکتبه الحیدریة؛ ۱۳۸۵ق.
۲۷. -----؛ عیون أخبار الرضا (ع)؛ تحقیق: حسین اعلمی؛ بیروت؛ مؤسسة الأعلمی للمطبوعات؛ ۱۴۰۴ق.
۲۸. -----؛ کتاب من لا یحضره الفقیه؛ تحقیق: علی اکبر غفاری؛ قم؛ مؤسسة النشر الإسلامی؛ چاپ دوم؛ ۱۴۰۴-۱۴۱۳ق.
۲۹. -----؛ کمال الدین وتمام النعمة؛ تحقیق: علی اکبر غفاری؛ قم؛ مؤسسة النشر الإسلامی؛ ۱۴۰۵ق.
۳۰. طبری، محمد بن جریر؛ دلائل الإمامة؛ قم؛ مؤسسة البعثة؛ ۱۴۱۳ق.
۳۱. طریحی، فخرالدین؛ جامع المقال فیما یتعلق بأحوال الحدیث والرجال؛ تحقیق: محمد کاظم طریحی؛ بیروت؛ مؤسسة التاریخ العربی؛ ۱۴۳۲ق.
۳۲. طوسی، محمدبن حسن؛ رجال الطوسی؛ تحقیق: جواد قیومی اصفهانی؛ قم؛ مؤسسة النشر الإسلامی؛ ۱۴۱۵ق.
۳۳. -----؛ کتاب الغیبة؛ تحقیق: عبادالله طهرانی و علی احمد ناصح؛ قم؛ مؤسسة المعارف الإسلامیة؛ ۱۴۱۱ق.

- عاملی، محمد بن حسن بن زین الدین؛ إستقصاء الإعتبار فی شرح الإستبصار؛ قم؛ مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث؛ ١٤١٩ق.
- عبدالرسول غفار، الكليني والكافي؛ قم؛ مؤسسة النشر الاسلامي؛ ١٤١٦ق.
٣٤. فاضل استرآبادي، محمد بن علي استرآبادي؛ منهج المقال في تحقيق أحوال الرجال المعروف بالرجال الكبير؛ چاپ سنگي؛ ١٣٠٦ق.
٣٥. -----، منهج المقال في تحقيق أحوال الرجال المعروف بالرجال الكبير، قم؛ مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث؛ ١٤٢٢ق.
٣٦. فيض كاشاني، الوافي؛ تحقيق: ضياء الدين حسيني؛ اصفهان؛ منشورات مكتبة الامام أمير المؤمنين علي عليه السلام العامة؛ ١٤٠٦ق.
٣٧. كاظمي، محمد امين؛ هداية المحدثين إلى طريقة المحمدين المعروف بمشتركات الكاظمي؛ تحقيق: سيد مهدي رجائي؛ قم؛ مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي؛ ١٤٠٥ق.
٣٨. كلباسي، ابوالمعالي؛ الرسائل الرجالية؛ تحقيق: محمد حسين درايي؛ قم؛ دارالحديث؛ ١٤٢٢ق.
٣٩. كلباسي، ابوالهدى؛ سماء المقال في علم الرجال؛ تحقيق: سيد محمد حسيني قزويني؛ قم؛ مؤسسة ولي العصر للدراسات الاسلامية؛ ١٤١٩ق.
٤٠. كليني، محمد بن يعقوب؛ الكافي؛ تحقيق: علي اكبر غفاري؛ طهران؛ دار الكتب الإسلامية؛ ١٣٦٣ش.
٤١. مازندراني، محمد صالح؛ شرح أصول الكافي؛ تحقيق: سيد علي عاشور؛ بيروت؛ دار إحياء التراث العربي؛ ١٤٢١ق/٢٠٠٠م.
٤٢. مامقاني عبدالله، تنقيح المقال في أحوال الرجال؛ تحقيق: محمدرضا مامقاني؛ قم؛ مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث؛ ١٤٣١ق.
٤٣. -----؛ تنقيح المقال في أحوال الرجال؛ چاپ سنگي.
٤٤. مجلسي، محمدتقي؛ روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه؛ تحقيق: حسين موسوي کرمانی و علي پناه اشتهاردی؛ قم؛ مؤسسه فرهنگي اسلامي کوشانبور؛ ١٤٠٦ق.
٤٥. مجلسي، محمداقبر؛ مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول؛ تحقيق: سيد هاشم رسولي؛ تهران؛ دار الكتب الإسلامية؛ ١٣٦٣ش.
٤٦. المعلم، محمد علي علي صالح؛ أصول علم الرجال بين النظرية والتطبيق (تقريباً لبحث سماحة آية الله الحاج الشيخ مسلم الداوري)؛ مؤلف؛ ١٤١٦ق.
٤٧. ميرداماد، التعليقة على أصول الكافي؛ تحقيق: مهدي رجائي؛ قم؛ الخيام؛ ١٤٠٣ق.
٤٨. -----، الرواشح السماوية؛ تحقيق: غلامحسين قيصريه ها و نعمت الله جليلي؛ قم؛ دار الحديث؛ ١٤٢٢ق.

۴۹. نجاشی، احمد بن علی؛ رجال النجاشی (فهرست أسماء مصنفی الشيعة)؛ تحقیق: سید موسی شبیری زنجانی؛ قم؛ مؤسسه النشر الاسلامی؛ ۱۴۱۶ق.
۵۰. نراقی، احمد؛ عوائد الأيام؛ قم؛ مرکز النشر التابع لمكتب الإعلام الإسلامی؛ ۱۴۱۷ق.
۵۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم؛ الغيبة؛ تحقیق: فارس حسون کریم؛ قم؛ أنوار الهدی؛ ۱۴۲۲ق.
۵۲. نوبختی، حسن بن موسی؛ فِرَق الشيعة؛ تحقیق: سید محمد کاظم موسوی؛ کربلاء؛ مرکز کربلاء للدراسات والبحوث؛ ۱۴۳۹ق.
۵۳. نوری طبرسی، حسین؛ خاتمة مستدرک الوسائل؛ قم؛ مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث؛ ۱۴۱۵ق.
۵۴. وحید بهبهانی؛ تعلیقة علی منهج المقال؛ چاپ شده در منهج المقال فی تحقیق أحوال الرجال؛ چاپ سنگی؛ ۱۳۰۶ق.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی